

آیا مسلمانان بخشی از آلمان هستند؟

گفت و گو با "ولفگانگ شویبله" وزیر کشور آلمان

ترجمه پریسا رضایی

در آلمان ۳/۵ میلیون مسلمان زندگی می کنند و وزیر کشور آلمان قصد دارد، در بهبود روند همگرایی آن ها سهمی ایفا کند. ولفگانگ شویبله درباره میهن، حزب اسلام گرای ملی گوروش و کنفرانس اسلام که برگزار می شود، برای پاییز تدارک دیده شده است، سخن می گوید. وزیر کشور فدرالی آلمان قصد دارد، رابطه سست میان دولت آلمان و جامعه مسلمانان آلمان را بهبود بخشد. آنچه وی مدنظر دارد، گفت و گویی نهادینه شده به مدت دو تا سه سال است که در پایان آن عقد قراردادی اجتماعی، قرار دارد. این وزیر ۶۳ ساله بر همین مینا، در نظر دارد، کنفرانس اسلام در آلمان (DIK) را برگزار کند. نقطه آغازین این کنفرانس، دیداری در ماه سپتامبر در "خانه تاریخ بن" بود. گفت و گویی حاضر، حاصل پرسش های خبرنگاران آلمانی از اوست.

آقای شویبله، دولت آلمان در حال حاضر در صدد گفت و گویی با مسلمانان این کشور است. آیا تا به امروز حجم گفت و گوها اندک بوده است؟
به هیچ وجه مایل نیستیم، این طور بگویم. ما مایلیم براساس توافق اثنالافی، با این واقعیت کنار بیاییم که ۲/۵ میلیون انسان با اعتقادات اسلامی، بخشی از جامعه ما هستند. از این رو، دولت قصد دارد مباحثه ای را با آن ها ترتیب دهد تا مناسبات بهتری ایجاد شود.

آیا میزان توجه ما در این زمینه کم بوده است که اسلام بخشی از آلمان است؟
بله، اما شناسایی این بخش، دشوار نیز هست. در هر حال، اسلام در این کشور ساختاری مانند کلیساهای مسیحی ندارد. در گذشته، این حقیقت از ذهن طرد می شد که میلیون ها مسلمان به کشور آلمان تعلق دارند. تعداد این افراد در آینده بیشتر هم می شود.

آیا از این امر استقبال می کنید که مساجد در آلمان از پستوها خارج و علنی شوند؟

بله، از آن استقبال می کنیم. این روند نشان می دهد که مسلمانان در جستجوی مکانی هستند که به آن ها تعلق دارد. برای اینکه آن ها این مکان را بیابند، ما نیز باید به این اطمینان خاطر برسیم که در مساجد هیچ گونه اتفاقی رخ نخواهد داد که کار پذیرش این امکان در جامعه سکولار را دشوار سازد.

کدام عواملند که این پذیرش را دشوار می سازند؟
باید تصمیمی اساسی اتخاذ کرد. ما به جدایی حکومت و دین اعتقاد داریم. ما در کنفرانسی که در پیش است، معیارهای منطبق با قانون اساسی خودمان را روشن می کنیم. اسلام باید در تمام جزئیات، پیرو روشنگری اروپایی باشد.

آیا قصد دارید با برگزاری این کنفرانس بر فرایند الهیات شناختی اسلام در آلمان تأثیر گذار شوید؟
دولت حق ندارد بر این مسأله تأثیری اعمال کند. این مسأله مربوط به خود دین است. اما ما می خواهیم نقش

یک شریک را داشته باشیم. باید گفت که نظام حکومتی ما با دین چندان هم بیگانه نیست. تصویر ما از انسان، تصویری مذهبی و مسیحی است.

آیا اصلا امکان دارد که میان همه گروه های دینی، سازشی در ارزش ها ایجاد کرد؟

تفاوت هایی که میان ادیان توحیدی وجود دارد، آنقدر نیست که نتوان به یک تفاهم معتبر منطبق با قانون اساسی رسید. فقط باید ارزش های مشترک را صمیمانه مشخص تر کرد.

این کار چطور شدنی است؟

۱۵ نماینده از سوی دولت فدرالی، ایالات و شوراها با ۱۵ نماینده اسلام به طور منظم گردهمایی هایی خواهند داشت. گروه اخیر، از یک سو پنج سازمان اسلامی و از سوی دیگر شخصیت های غیروابسته به سازمان های اسلامی خواهند بود. چیزی که در فکر من است، هنرمندان و صاحبان شرکت هایی است که دارای پیش زمینه اسلامی هستند. به این ترتیب، ما یک شبکه چندگانه از مسلمانان ایجاد می کنیم.

آیا می خواهید سازمان اسلام گرای ملی گوروش را هم مشارکت دهید؟

ملی گوروش گروه بزرگی است و به خاطر همین هم از آن ها دعوت می کنیم. نه به عنوان عضو دائم، اما در یکی از گروه های کاری در ضمن کنفرانس.

شما از یک سو ملی گوروش را دعوت می کنید و از سوی دیگر به سازمان امنیت دستور داده اید، این گروه را زیر نظر بگیرد. این دو اقدام چطور با هم همخوانی دارد؟

ملی گوروش دارای این برداشت است که شریعت یعنی مجموعه قوانین اسلامی، مرجع موثق و مناسب است. به خاطر همین است که باید این گروه را تحت نظر مقامات قرار دهیم. اما به هر حال به گروه اسلام تعلق دارد و از راه گفت و گو و همچنین از طریق کنفرانس هم می توان سازمانی را لیبرالیزه کرد. از این ها گذشته، سازمان امنیت پیش از این نیز گفتگوانی نهادینه شده را آغاز کرده است.

آیا شورای اسلام که اکثر اعضای آن را اعضای ملی گوروش تشکیل می دهند، عضو دائم کنفرانس خواهد بود؟

این شورا را به شرطی که نمایندگی آن را عضوی از ملی گوروش برعهده نداشته باشد، دعوت می کنیم. قرار است شورای مرکزی مسلمانان و انجمن علویون هم شرکت داشته باشند.

سال هاست که رقمی مانند شیخ در سراسر آلمان می چرخد. می گویند ۳۲۰۰۰ اسلام گرا در این کشور وجود دارد. این رقم خوف برانگیز است. اما در نگاهی دقیق تر، این رقم به ۲۷۰۰۰ عضو ترک ملی گوروش با واعظان جهاد گرای عرب و متعصب تعدیل می شود که چندان هم خطرناک به نظر

نمی‌رسد. چرا میان این‌ها تفاوتی قائل نمی‌شوید؟ تعداد اسلام‌گرایان را نباید با تعداد تروریست‌های احتمالی همسان دانست. اما اسلام‌گرایان هم دلیلی برای بذل توجه بیشتر هستند، زیرا تصویری از نظام حکومتی دارند که ما نداریم.

اما در میان مردم این احساس همچنان وجود دارد که ۳۲۰۰۰ متعصب آماده اعمال خشونت در میان ما حضور دارند. این که چندان هم موجب آسایش خیال نیست.

این توصیف، اغراق آمیز است. من در ارائه گزارش جدید سازمان امنیت در ماه گذشته، تأکید کردم که اسلام‌گرایان را نباید با تروریست‌ها یکی دانست.

شما در ارائه این گزارش این را هم گفتید که تروریسم اسلام‌گرایانه بزرگ‌ترین چالش است. پس افراط‌گرایی راست از نظر شما چیست؟

افراط‌گرایی راست هم نگرانی و چالشی بزرگ است. اما جای جدل ندارد که بیشترین خطر برای جان و زندگی مردم از تروریسم اسلام‌گرایانه ناشی می‌شود. ممکن است بعضی تیره پوستان در آلمان این قضیه را به چشم دیگری ببینند.

منظور من احتمال خطر حملاتی حاد در مقیاس حمله یازده سپتامبر ۲۰۰۱ به آمریکا از سوی القاعده است. اما یک چیز هم هست که می‌خواهم روشن کنم، ما تروریست نمی‌خواهیم، اسلام‌گرا هم نمی‌خواهیم. در عوض خواهان احساسی از عشق و علاقه به این کشور هستیم.

آیا دولت آلمان می‌تواند کاری کند که مسلمانان در آلمان از قانون اساسی این کشور حمایت کنند؟ باید این کار را بکنند. ما یک کشور دموکراسی با قابلیت توافقی هستیم که وفاداری به قانون اساسی را مطالبه می‌کنیم. در نظر مردم هم، دولت در این زمینه موظف است.

آیا دولت می‌تواند تعهد هم ایجاد کند؟ کنفرانس اسلام کاری به جبر و زور ندارد، بلکه من آن را فرصتی پیشنهادی می‌دانم. من به غیرمسلمانان چنین می‌گویم که ما مسلمانان را به عنوان بخشی از این جامعه می‌خواهیم. از سوی دیگر، ما می‌خواهیم با مسلمانان به مناسبات بهتری برسیم، امری که به نفع خودشان هم هست. زیرا گرایش به این که شریعت در مغایرت با قانون اساسی قرار گیرد، باید به فراموشی سپرده شود. قانون اساسی برای همه مصداق دارد و از این گذشته، این تسامح را نیز تضمین می‌کند که مسلمانان در آلمان، بهره‌هایی بیشتر از مسیحیان در کشورهای اسلامی می‌برند. ما در امر تسامح، پیشرفته‌تر هستیم و مسلمانان در آلمان نیز باید سهمی در این امر ایفا کنند.

قرار است قراردادی اجتماعی، پیامد نهایی کنفرانس باشد. در این قرارداد چه مفادی می‌آید؟ مهم‌ترین چیز این است که این قرارداد منعقد شود. قرار است این قرارداد، سندی از تفاهم متقابل باشد و توصیف نماید که ما همگی جامعه‌ای با سرنوشتی مشابه را تشکیل می‌دهیم. در این قرارداد، مسائل مربوط به اجرای مناسک دینی نیز عملاً ذکر می‌شود.

چیزی که گفتید چندان دقیق نبود. آیا قرار است انجمن‌های اسلامی همچنین در این قرارداد متعهد شوند که دیگر درباره عدم مشارکت دانش‌آموزان

در دروس زیست‌شناسی و ورزش هم تبلیغ نکنند؟ این جزو تصمیمات اساسی است که ما از مسلمانان می‌خواهیم آن را اتخاذ کنند.

شما قصد دارید، درس علوم اسلامی را در مدارس، سراسری کنید. علت چیست؟

به این ترتیب، مسلمانان ابراز می‌کنند که به این کشور تعلق دارند. از شروط این کار این است که دروس به زبان آلمانی و تحت نظارت دولت باشند و معلم‌ها هم همین‌جا تعلیم دیده باشند.

ایالات تلاش خودشان را می‌کنند، فقط اغلب طرف مسلمانانی وجود ندارد، زیرا جماعت آن‌ها به ندرت سازماندهی شده است.

چه می‌شود اگر در پایان کنفرانس شرکت‌کنندگان مسلمان از قبول یکی از تعهدات خودداری کنند؟

این یک روند باز و علنی است که ممکن است سال‌ها به طول انجامد. کسی که خودداری می‌ورزد، درواقع خودش را از شرکت در این روند محروم می‌کند و اکثریت مسلمانان هم قصد دارند در این روند شرکت کنند. آن‌ها می‌خواهند بخشی از آلمان باشند.

روزنامه دی‌ولت - ۲۸ ماه مه ۲۰۰۶

ما می‌خواهیم با مسلمانان به مناسبات بهتری برسیم، امری که به نفع خودشان هم هست. زیرا گرایش به این که شریعت در مغایرت با قانون اساسی قرار گیرد، باید به فراموشی سپرده شود. قانون اساسی برای همه مصداق دارد و از این گذشته، این تسامح را نیز تضمین می‌کند که مسلمانان در آلمان، بهره‌هایی بیشتر از مسیحیان در کشورهای اسلامی می‌برند

